

# فارسه نوگاشته دوازدهم

## نقد و تحلیل

زهره حاجی بابایی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، ناحیه ۵ آموزش و پرورش شهرستان اصفهان

### چکیده

با توجه به قرار گرفتن پایه دوازدهم به جای پیش‌دانشگاهی، ضرورت داشت در کتاب‌های درسی یک بازنگری کلی صورت گیرد و محتوایی متناسب با این پایه ارائه شود.

یکی از کتاب‌های نوگاشته‌ای که بر این اساس نگارش یافت، کتاب فارسی بود. البته نمی‌توان این محتوای آموزشی را کاملاً نو اطلاق کرد؛ زیرا برخی مطالب آن برگرفته از کتاب پایه‌های دهم و یازدهم است.

نگارنده در این مقاله با توجه به ماده‌ای که تدریس می‌کنند و در حد توان و درک خود، این کتاب را نقد و بررسی کرده است. روش بررسی چنین بوده که ابتدا در مورد مشکلات تدریس این درس از نظر محدودیت زمانی و همچنین کافی نبودن توضیحات و مثال‌های درس، برای آموزش و همچنین حذف کتاب زبان فارسی و تاریخ ادبیات مطالبی بیان شده و درباره اینکه این محدودیت زمانی مانع التذاذ ادبی دانش‌آموزان در این ساعت آموزشی می‌شود، سخن‌هایی به میان آمده است.

سپس با یک نگاه کلی، این کتاب درسی بررسی و در مورد دروس آزاد و گنج حکمت‌ها اظهار نظر شده است. گام بعدی، نقد و تحلیل درس به درس کتاب فارسی است که طی آن، معایب و محاسن هر درس از نظر محتوایی، آموزشی و ساختاری بیان گردیده است. در پایان نیز نگارنده یک جمع‌بندی کلی از تحلیل خود ارائه نموده است.

**کلیدواژه‌ها:** کتاب درسی، محتوا، فارسی دوازدهم، نما

### مقدمه

با توجه به اهمیتی که کتاب‌های درسی در نظام آموزشی هر کشور دارد، صرف وقت برای تحلیل محتوای آن می‌تواند بسیاری از مشکلات آموزشی را برطرف کند. کتاب درسی یکی از مهم‌ترین منابع یادگیری به شمار می‌آید و بیشتر فعالیت‌های آموزشی در چارچوب این رسانه صورت می‌پذیرد.

کتاب‌های درسی به سبب اهمیت زیادی که در تعیین محتوا و خط‌مشی آموزشی دارند، در کانون توجه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش قرار گرفته‌اند. «نظام آموزشی فعلی کشور، یک نظام متمرکز و برنامه‌ی درسی آن منحصر به کتاب درسی است که در کل کشور [از آن] استفاده می‌شود» (مشایخ، ۱۳۷۵: ۱۹).

یکی از مشکلات یادگیری، نامناسب بودن محتوای آموزشی و عدم تناسب آن با توانایی درک و فهم دانش‌آموزان است. بنابراین، در تهیه کتاب درسی، فعالیت‌های یادگیری باید به گونه‌ای تنظیم شوند که با توانایی‌های دانش‌آموزان منطبق باشند، تا بتوانند الگوی رفتاری مورد نظر را در یادگیرنده به وجود آورند.

آموزش، امروز مفهوم جدید پیدا کرده است. مواد و وسایل آموزشی روز به روز تنوع بیشتری می‌یابند و کتاب درسی تنها یکی از آن‌ها به حساب می‌آید. کتاب درسی باید دارای ضوابط و اصول خاصی باشد تا بتواند دانش‌آموزان را به اهداف مورد نظر برساند. یکی از راه‌های کسب اطمینان از این مورد، آن است که کتاب منطبق با اهداف برنامه

درسی تهیه شده باشد. اینجاست که تحلیل محتوا ضرورت پیدا می‌کند.

مواد آموزشی عناصر اصلی فرایند یاددهی-یادگیری به شمار می‌روند. بدون آن‌ها امکان تبادل تجربه بین معلم و فراگیرنده کم است و نمی‌توان برنامه تحصیلی مورد نظر را به سادگی اجرا کرد.

برای رسیدن به اهداف آموزشی، طراحی کتاب‌ها باید با توجه به معیارها و ضوابط خاصی در تمام ابعاد متن و تصویر صورت گیرد. از طریق فن تحلیل محتوا می‌توان بسیاری از این عوامل را مشخص کرد. بنابراین، ضرورت بررسی حاضر نیز، نقش مهم تحلیل محتوا در فرایند طراحی کتاب‌ها و تأثیر مهمی است که این فن می‌تواند داشته باشد.

با توجه به رشد سریع علوم و فناوری و تغییر شتابندهٔ هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، «ضرورت دارد که کتاب‌های درسی با دقت کافی و در حد امکان، عاری از هر عیب و نقص و مطابق با اهداف تعیین شده و اصول علمی تألیف شوند» (یار محمدیان، ۱۳۸۶: ۲۷)

با توجه به اینکه بر اساس سیاست‌های جدید وزارت آموزش و پرورش در راستای تحقق اهداف سند تحول بنیادین در نظام آموزشی، پایه دوازدهم جایگزین پیش‌دانشگاهی گردیده، لازم است تغییری در محتوای آموزشی کتاب‌های درسی ایجاد شود.

در اینجا بحث بر سر این نیست که آیا

این تغییر، تأثیر مطلوب دارد و به نفع نظام آموزشی و اهداف بلندمدت آموزش و پرورش هست یا خیر. موضوع این است که هر گونه دگرگونی در اساس هر ساختاری ایجاب می‌کند که طرز نگرش‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده آن ساختار نیز به‌طور بنیادین تغییر یابند. پس این جایگزینی می‌طلبد که محتوای آموزشی نیز متناسب با اهداف مورد نظر این تغییر باشد. چنان‌که دیدیم این اتفاق افتاد و با روی کار آمدن این پایه جدید در دوره دوم متوسطه، کتاب‌هایی با محتوای جدید تألیف شدند.

نگارش کتاب فارسی دوازدهم حاصل این تغییر ساختاری در نظام جدید آموزشی بود. حال سؤال این است که:

- آیا محتوای آموزشی این کتاب‌های نونگاشت در مسیر رفع نیاز دانش‌آموزان و اهداف آموزشی مورد نظر است؟  
- آیا متناسب با سن دانش‌آموز طراحی شده است؟

منظور این است که این محتوا خیلی آسان یا خیلی سخت نباشد؛ چون در حالت اول، محتوای درس برای دانش‌آموزان بی‌اهمیت و در حالت دوم نیز، ملال‌آور خواهد بود.

- آیا تصاویر و اشکال به کار رفته متناسب با موضوع درس است؟  
- آیا تصاویر، جذابیت لازم را برای یادگیری ایجاد می‌کند؟

- آیا کتاب‌های نونگاشت این پایه خالی از اشکال‌اند؟

و خیلی سؤال‌های دیگر که با تحلیل آن‌ها می‌توان بسیاری ابهام‌ها را برطرف کرد و به سؤال‌های دیگر پاسخ گفت.  
در اینجا، ابتدا کتاب فارسی پایه دوازدهم بررسی و تحلیل کلی می‌شود.

### نکاتی درباره کتاب فارسی پایه دوازدهم

این کتاب در ۱۶۳ صفحه و ۱۸ درس و در مجموع هشت فصل تدوین شده است (از صفحه ۱۶۴ تا آخر مربوط به واژه‌نامه، منابع و پیوست‌هاست).

با توجه به طولانی بودن برخی دروس منظوم (گذر سیاهش از آتش، خوان هشتم، سی مرغ و سیمرغ) و درس کباب غازه، لازم است زمان

تدریس این کتاب به سه ساعت در هفته افزایش یابد.

همچنین، در هر درس در قلمروهای زبانی (دستور)، ادبی (آرایه‌ها) و فکری (درک و فهم) مطالبی آموزش داده می‌شود که با

### ساعت ادبیات فارسی، یعنی زمان شکوفا کردن استعداد ادبی دانش‌آموزان و ایجاد علاقه و انگیزه در آنان برای یادگیری عاشقانه متون ادبی و واقعی زبان فاخر فارسی

توجه به زمان یک ساعت و نیم در هفته، هدف مطلوب هر درس حاصل نمی‌گردد.

ساعت ادبیات فارسی، یعنی زمان شکوفا کردن استعداد ادبی دانش‌آموزان و ایجاد علاقه و انگیزه در آنان برای یادگیری عاشقانه

متون ادبی و آموزش واقعی زبان فاخر فارسی. وقتی مجالی برای خواندن دیوان اشعار شاعران نامی نباشد و زمان اجازه ندهد که دانش‌آموز سروده خود را بخواند، چگونه می‌توان خلاقیت و ذوق ادبی دانش‌آموزان را گسترش داد.

در ضمن، به همراه هر درس ادبیات هم مطلبی با عنوان «گنج حکمت» نگاشته شده است که تدریس این بخش نیز زمان خاصی را به خود اختصاص می‌دهد.

علاوه بر این، در قسمت پایانی دروس بخشی به نام «روان‌خوانی» آمده است که هر کدام از این بخش‌ها خود یک درس محسوب می‌شود؛ البته برای دبیرانی که احساس مسئولیت می‌کنند و بر خود لازم می‌دانند که علاوه بر آموزش درست‌خوانی، نکات دستوری و ادبی را هم آموزش دهند. (با توجه به این‌که آنان باید آزمون‌های متعددی را پشت سر گذارند و با این روش، برگ برنده‌ای در دست آنان است).

بخشی به نام «دروس آزاد» نیز هست که باید در کلاس خوانده شود و مورد بحث و بررسی قرار گیرد، که آن نیز به زمان نیاز دارد. حال سؤال این است که با این زمان اندک چگونه می‌توان این بخش را تدریس کرد. (با توجه به اینکه آموزش نکات دستوری و ادبی



درس روان خوانی هم لازم است). سخن دیگر اینکه حذف کتاب زبان فارسی از این دوره کار چندان عاقلانه‌ای نبوده است، چون فرصت محدود تدریس این درس، اجازه آموزش نکات دستوری را به دبیر نمی‌دهد. همان‌طور که می‌دانیم، بخش عمده‌ای از دروس این کتاب در مورد حذف فعل و کاربرد معنایی آن‌ها، ارکان جمله، ترکیب‌های وصفی و اضافی، انواع کاربردهای «را»، نقش دستوری واژه‌ها، انواع جمله از نظر اجزاء سازنده آن‌ها و

دانش آموز همان شهر چند سال پیش و پیشینه تاریخی-ادبی و فرهنگی آن نیز همان است. پس این درس چه خلاقیتی می‌تواند در آنان ایجاد کند؟ حتی خود دانش‌آموزان مدعی هستند که هر سال محتوای نوشته خود در سال‌های قبل را، کپی می‌کنند و در کتاب سال جدید می‌نویسند و این دروس برای آنان دیگر جذباتی ندارد. آیا بهتر نیست به جای گنجاندن این درس، مطالب مفیدتری در کتاب گنجانده شود یا لاقلاً این

درس روان خوانی هم انواع قلمروها در نظر گرفته می‌شد، رسیدن به هدف‌های آموزشی مطلوب‌تر میسر می‌گردید و بالاخره اینکه بهتر بود در پایان برخی دروسی که فهم آن‌ها دشوار است، بخش توضیحات اضافه می‌شد. سخن را در این بحث خاتمه می‌دهم و قضاوت را به شما، مؤلفان کتاب و دست‌اندرکاران آموزش واگذار می‌کنم.

### درس جدید کتاب فارسی دوازدهم

با توجه به اینکه دروس این کتاب ترکیبی از دروس ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی و دروس دوازدهم است، برخی درس‌های جدیدی که در آن آمده‌اند، مربوط به پایه اول و دوم و سوم نظام قدیم دوره متوسطه‌اند. این درس‌ها عبارت‌اند از: آزادی (سال اول)، کباب غاز (سال دوم) و شکر نعمت، از پاریز تا پاریس، بوی جوی مولیان (سال سوم عمومی) و سی مرغ و سیمرغ با اندکی تلخیص (سال سوم انسانی).

بقیه دروس، متنی هستند که قبلاً در هیچ یک از پایه‌ها آموزش داده نشده‌اند و می‌توان گفت جدیدند.

### درس فارسی دوازدهم در یک نگاه:

قبل از نقد و بررسی هر درس کتاب، لازم است با یک نگاه کلی، نکاتی که قابل تأمل به‌نظر می‌رسد، بیان شود. باید گفت با هر تحولی که در ساختار و نظام آموزش و پرورش رخ می‌دهد، اولین تغییری که با توجه به سیاست آموزش و پرورش به وقوع می‌پیوندد، تغییر محتوای آموزشی دروس کتاب است اما متأسفانه تغییرات انجام شده، اساسی و بنیادی نیستند. آنچه ما تا کنون شاهد آن بوده‌ایم، بیشتر شامل جابه‌جایی دروس فارسی سه پایه با هم بوده است (که در بالا ذکر شد)؛ بی‌آنکه تحولی اساسی در آن‌ها پدید آید و یا جذباتی در آن‌ها ایجاد شود. مسئولان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی باید به این واقعیت واقف باشند که با توجه به حذف کتاب زبان فارسی (دستور زبان) از کتب درسی دبیرستان، لاقلاً مطالب بخش توضیحات درس باید به‌طول کامل و



وابسته‌های وابسته است که هر چند در برخی موارد، این مباحث به‌طور مختصر بیان شده است ولی کافی نیست.

در برخی موارد هم چون دانش‌آموزان اطلاعات جامعی ندارند، دبیر مجبور است قبل از پاسخ‌گویی به سؤالات قلمروهای زبانی، نکات دستوری را توضیح دهد و این یعنی عقب ماندن از اصل درس.

در مورد دروس آزاد، آیا فکر نمی‌کنید که گنجاندن آن‌ها در فارسی دوازدهم، تکرار مکررات است؟ آخر قرار دادن این دروس در دوره ابتدایی و راهنمایی بس نیست؟ مگر در پایه دوازدهم مورد تازه‌ای به محتوای بومی ادبیات دانش‌آموزان اضافه می‌شود؟ شهر

دروس حذف شوند و فرصت بیشتری برای آموزش نکات درسی فراهم آید؟ همین دروس، چند جلسه آموزشی را به خود اختصاص می‌دهند؛ چون هم دانش‌آموزان باید آن‌ها را بخوانند و هم به بحث و بررسی نیاز دارند و لازم است برخی اشکالات موجود در آن‌ها توضیح داده شود.

اشکال بعدی این است که در این کتاب، تاریخ ادبیات در نظر گرفته نشده است. آیا بهتر نیست دانش‌آموزان تا حدودی با نویسندگان و شاعران متن دروس آشنا شوند؟ در این مورد فقط به آوردن نام آنان در بخش پایانی درس اکتفا شده است. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که اگر برای



جامع پاسخ‌گوی ذهن کنجکاو دانش‌آموزان باشند. در سال‌های قبل، دو ساعت از زمان آموزش به تدریس زبان فارسی اختصاص داشت؛ بنابراین دبیران این رشته مشکلی در آموزش نداشتند. اکنون با حذف این کتاب، باید برای بازدهی مطلوب آموزش این درس، زمان اختصاص یافته افزایش یابد.

با کمی دقت درمی‌یابیم که بخش زیادی از کتاب فارسی دوازدهم شامل مباحث دستوری است؛ مباحثی چون واژه‌های هم‌اوا، حذف فعل با قرینه‌های لفظی و معنوی، کاربردهای مختلف معنایی فعل، تعیین اجزا و ارکان جمله، انواع ترکیب‌های وصفی و اضافی، کارکرد «را» و انواع جمله از نظر تعداد اجزا.

اشکال قابل ذکر دیگر این کتاب، در کنار هم قرار گرفتن دو درس طولانی «گذر سیاوش از آتش» (درس دوازدهم) و «خوان هشتم» (درس سیزدهم) است که موجبات خستگی دانش‌آموزان و دبیران را فراهم می‌آورند.

موضوع دیگر اینکه بهتر بود بخشی از محتوای کتاب به معرفی شاعرانی مانند عارف قزوینی، فرخی یزدی و ملوک‌الشعرای بهار اختصاص می‌یافت؛

نکته دیگر اینکه برخی از متون «گنج حکمت‌ها» ارزش ادبی چندانی ندارند؛ مطلبی درخور را به دانش‌آموزان نمی‌آموزند؛ مانند گنج حکمت‌های گمان، کلان‌تر و اولی‌تر، و مسافران. گنج حکمت‌ها بهتر است جنبه آموزشی و دانشی داشته باشند نه ادبی، داستانی و طنز. در مورد متن «تیرانا» هم باید گفت بسیار گنگ و نامفهوم است.

در مورد دروس روان‌خوانی هم چون نقش زیادی در یادگیری و طرح پرسش برای آزمون‌های پایانی ندارند، تحلیل خاصی نمی‌توان داشت.

روی هم رفته، در محتوای این دروس اشکالی به چشم نمی‌خورد. در مورد محتوای شعر خوانی‌ها، باید گفت در شعر جدید «شکوه چشمان تو» که درباره شهید حججی سروده شده است، بیت پنجم، با توجه به معنایش، قدری جای تأمل دارد.

## نقد و بررسی دروس فارسی دوازدهم

### درس اول: شکر نعمت

در این درس، دانش‌آموزان با انواع سجع، انواع «را»، جهش ضمیر، حذف فعل با دو قرینه لفظی و معنوی به شکلی روشن آشنا می‌شوند؛ چون متن، مثال‌های زیادی دارد. از طرفی هم می‌توانند ضمن آشنایی با نمونه‌های از نثر زیبای گلستان، از آن التذاد ادبی ببرند. ویژگی دیگر این درس، وجود اصطلاحات عرفانی شامل «هراقبت»، «مکاشفت» و «معاملت» است که دانش‌آموزان ضمن آموزش با آن‌ها آشنا می‌شوند.

بهتر بود در این درس به انواع نثرهای قدیم به خصوص نثر مسجع و فنی که گلستان سعدی نمونه‌ای از آن است، اشاره می‌شد، تا

این درس به شکلی منسجم و یکپارچه شکل می‌گرفت. این در حالی است که تنها در کتاب سال دهم، آن هم به اختصار و در قالب یک بیت، به آن اشاره شده است.

ای بی‌نشان محض، نشان از که جویمت؟ گم گشت در تو هر دو جهان از که جویمت؟ بهتر بود در فارسی این پایه علت اینکه در مصراع دوم جهش ضمیر وجود ندارد، توضیح داده می‌شد (به علت مفعول بودن ضمیر ت). با همین توضیح مختصر ما در پایه‌های یازدهم و دوازدهم با پرسش‌هایی مبنی بر تشخیص جهش ضمیر روبه‌رو هستیم؛ مانند سؤال چهار قلمرو زبانی درس شکر نعمت. در بیشتر کتب فارسی دوره دوم متوسطه ابیاتی



وجود دارد که در آن‌ها جهش ضمیر صورت گرفته است. با این اوصاف، آیا بهتر نبود در بخش توضیحات، بیشتر به این موضوع پرداخته می‌شد؟

حتی با توجه به انواع متنوع «را» در این درس، نه تنها در پایه دوازدهم بلکه در هیچ پایه‌ای انواع کاربرد «را» توضیح داده نشده است. چه بسا دبیران این رشته که با توجه به کوتاهی در بیان این مباحث، ارائه توضیحات

دانش‌آموزان به ویژگی‌های آن پی ببرند. مورد دیگر اینکه تصویر در نظر گرفته برای این درس چندان مرتبط و مناسب نیست.

همان‌طور که می‌دانیم، بحث جهش ضمیر از مباحثی است که باعث اختلاف نظرهایی در بین دبیران ادبیات شده است و هر کدام نظر خاصی در این زمینه دارند. اگر مؤلفان محترم الگویی ثابت و مشخص برای تشخیص آن ارائه می‌کردند، مسلماً نحوه آموزش در

اضافی در این زمینه را ضروری نمی‌دانند. این در حالی است که یکی از سوالات کنکور می‌تواند برگرفته از این مبحث باشد.

### درس دوم: مست و هوشیار

این درس به پدیده اجتماعی رشوه‌خواری از یک سو و وجود فساد در دستگاه دولتی و مسئولان حکومتی اشاره دارد. یکی از اهداف آموزشی مورد نظر در این درس، آشنایی با گونه‌ای از شعر پروین اعتصامی به نام «مناظره» است؛ مناظره‌ای که بین دو نفر و یا دو چیز صورت می‌گیرد و تا آخر ادامه می‌یابد. در اصل، پیام اصلی شعر در قالب این مناظره به مخاطب و خواننده انتقال می‌یابد. در این درس، در سؤال یک در قلمرو ادبی نوع گفت‌وگوی شعر در اصطلاح ادبی از دانش آموز پرسیده می‌شود؛ در حالی که به جای سؤال باید به آموزش «مناظره» و چگونگی تأثیر آن در مخاطب می‌پرداخت.

نکته‌های مورد نظر در این درس عبارت‌اند از:  
- بی‌توجهی به ظاهر و اهمیت دادن به عقل و فهم مورد تأکید است؛  
- فساد و بی‌اخلاقی در جامعه‌ای فراگیر می‌شود که حکومتش پایبند اخلاق نباشد؛  
- در دین، حرام بودن مسلم چیزی به مقدار و اندازه آن بستگی ندارد؛  
- وجود رشوه‌خواری در جامعه حاکی از پایبند نبودن حکومت به قانون است.

### تحلیل فکری، اعتقادی شاعر و دیدگاه او:

پروین اعتصامی در این شعر با بیان نابسامانی‌ها و فساد موجود در جامعه، اعمال ناروای عاملان جامعه مانند والی، قاضی و محتسب را افشا می‌کند و از پدیده رشوه‌خواری پرده برمی‌دارد. او شاعری هوشیار بوده که از نابسامانی‌های جامعه زمان خود آگاهی داشته و بدون هر گونه جهت‌گیری سیاسی، با شهامت از فساد دستگاه حکومتی انتقاد کرده و اندیشه‌هایش را بی‌پرده بیان نموده است. از مشخصات بارز شعر پروین اعتصامی، خشونت و دشمنی با ظلم و بی‌عدالتی و همدردی با طبقات محروم و دردکشیده جامعه است.

اگر برای این شعر تصویری در نظر گرفته

می‌شد، مسلماً جذابیت بیشتری داشت.

### درس سوم: آزادی

عنوان انتخاب شده برای این درس مناسب نیست و با محتوای درس همخوانی ندارد و بهتر بود به جای آن از عناوینی مانند بیگانه‌ستیزی و آزادی‌خواهی استفاده می‌شد. در این درس از عبارت «مرغ اسیر» استفاده

شعر است که وجود مسند (محترم) را در یک جمله چهار جزئی با مفعول نشان می‌دهد. در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت این مسئله ایجاب می‌کند که به دانش‌آموزان بگوییم که افعال به کار رفته در این جمله‌ها، معنای دیگری دارند؛ مثلاً در جمله «مردم او را قهرمان شمرند» فعل «شمردن» به



معنای به «حساب آوردن» است نه «شمردن چیزی». چون برای دانش‌آموزان این سؤال پیش می‌آید که در جمله مسند دار نباید کار انجام شود؛ در حالی که در فعل شمردن به معنای شمردن چیزی، کاری انجام می‌گیرد. با این توضیح، ابهام آنان برطرف می‌شود، در حالی که اصلاً کتاب درباره این موضوع توضیحی نداده است.

نکته دوم در این درس، بیت اول است که به غیر از فعل به نوع دیگری از حذف - که حذف واژه در کلام است - اشاره می‌کند. اشکالی که در این درس به چشم می‌خورد این است که بهتر بود حذف واژه هم مانند حذف فعل از قبل آموزش داده می‌شد و بعد در سؤال سه قلمرو زبانی، نوع حذف سؤال می‌شد. اشکال دیگر این است که تصویر پایین آن درس،

شده که استعاره از شاعر است دلیل نمی‌شود که از تصویر پرندگان در حال پرواز در زیر آن استفاده کنند. می‌توان برای تناسب محتوا و تصویر، از تصویر آزادی‌خواهی در پشت میله‌های زندان ستم‌شاهی استفاده کرد. در مورد این درس، باید بگوییم که گنجاندن آن در بین متون فارسی دوازدهم، چندان مطلوب نیست؛ زیرا با توجه به گروه سنی دانش‌آموزان این پایه، محتوای آن بسیار ساده به نظر می‌رسد. همچنین، بهتر بود برای معرفی غزل اجتماعی، از شعری متناسب با دوره سنی دانش‌آموزان این پایه استفاده می‌شد.

### درس (دفتر زمانه)

نکته قابل توجه در این درس، بیت سوم این

ادامه تصویر درس مستقل روبه‌روی آن است که باز با محتوای این درس تناسبی ندارد.

## درس چهارم: درس آزاد، ادبیات بومی<sup>۱</sup>

در مورد این درس در جای خود، در یک نگاه کلی توضیحاتی داده شده است.

### درس پنجم: دماوندیه

دیو سپید که در شاهنامه نماد پلیدی است، در حقیقت در بیت نخست این درس نماد شکوه و بزرگی و پاکی است. این شعر مفهومی سیاسی و اجتماعی دارد و کوه دماوند نماد انسان‌های آزادی‌خواهی است که پای در استبداد و ستم حکومت دارند ولی با عظمت خود، سایه استقامت و شرف بر سر جامعه انداخته‌اند.

یکی از دلایل نمادین بودن این شعر، نبودن آزادی بیان برای آزادی‌خواهان است. بنابراین، شاعر حرف دل خود و آزادی‌خواهان را در قالب نماد و کنایه بیان می‌کند. «نماد در لغت به معنی نمود، نما و نماینده در برابر (symbol) فرنگی است که از کلمه یونانی (symbolon) به معنی علامت و نشانه است. نماد شیء بی‌جان یا موجود جاندار است که هم خودش است و هم مظهر مفاهیمی فراتر از خودش» (داد، ۱۳۸۳: ۲۷).

در این شعر، شاعر به شکل زیبایی با استفاده از آرایه حسن تعلیل دماوند را مژگین روزگار می‌داند که بر دهان آسمان نواخته شده یا قلب فسرده‌ای که از شدت غم و درد ورم کرده است و برف نیز کافوری است که به عنوان مرهم روی آن قرار داده‌اند. شاعر از کوه می‌خواهد که خشم خود را بیرون بریزد تا اندکی تسکین یابد. او کوه دماوند را مانند آزادی‌خواهی ترسیم کرده که فضای پر از ظلم و خفقان جامعه، به ستوهش آورده و مردم خموش و خنثی در برابر ظلم، گریزان‌ش ساخته است. ابیات این درس نمونه‌های خوبی برای آموزش آرایه حسن تعلیل است؛ از این نظر که شاعران عارفانه سرای زبان فارسی، همان‌طور که نماد‌گرایان نیز مطرح می‌کنند، با عوالم درون سر و کار دارند و می‌خواهند به مدد واژگان و نمادها دنیای درونی را که خود

تجربه کرده‌اند، به دیگران نشان دهند. «از آنجا که آن عوالم قابل توصیف نیستند، شاعر می‌کوشد به کمک زبان نمادین (سمبولیک) آن‌ها را به خواننده القا کند» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۷).

### درس ششم (نی‌نامه)

در این درس، منظور از نی خود مولاناست که ناله سر می‌دهد و از جدایی‌ها شکوه می‌کند؛ جدایی از عالم معنا. پس به دنبال همدل غم‌گساری است که شرح این جدایی را برایش باز گوید اما انسان کاملی که چون خودش دلی سوخته و عاشق داشته باشد، نمی‌یابد.

به اعتقاد او، تنها عشق می‌تواند راز این شکوه

وقتی مجالی برای  
خواندن دیوان اشعار  
شاعران نامی نباشد  
و زمان اجازه ندهد  
که دانش آموز سروده  
خود را بخواند، چگونه  
می‌توان خلاقیت و ذوق  
ادبی دانش‌آموزان را  
گسترش داد

را دریابد و حواس ظاهری از درک آن عاجز است؛ چون عشق سلسله‌جنبان تمام هستی است.

او محرمی برای اسرار خود نمی‌یابد و تنها به وجود عشق دلخوش است و چون انسانی پخته و عارف را برای شرح عاشقی درد هجرش نمی‌یابد، سخن را به پایان می‌برد و سکوت اختیار می‌کند.

این درس نشان‌دهنده تمنای روح در بازگشت به اصل خویش یعنی عالم معناست و اینکه هر دلی از عشق بی‌نصیب باشد، روزگارش تباہ خواهد شد.

این درس از زیباترین و تأثیرگذارترین متون درس فارسی دوازدهم است که هم از بُعد

مفاهیم عرفانی و هم لحن و موسیقی جذابیت خاصی برای دانش‌آموزان دارد.

## درس هفتم: در حقیقت عشق و سودای عشق

این دو متن که در کنار هم قرار گرفته‌اند، از لحاظ موضوع با هم بسیار مرتبطند؛ زیرا در هر دو، سخن از عشق است و اینکه عشق عاملی برای رسیدن به حسن و کمال است. نیز به این نکته اشاره دارند که فقط کسی می‌تواند از عشق بهره‌برد که ترک خود کند و تمام توجه خویش را به معشوق معطوف نماید و در اصطلاح عرفان، از خود بی‌خود شود.

این عشق به قدری مورد توجه عارفان و طالبان سلوک است که دیوانگی حاصل از آن رابر تمام عقل‌ها برتری می‌دهند و معتقدند که انسانی که عاشق باشد، خودرأی و مغرور است. با دقت در جمله «عاشقی بی‌خودی و بی‌راهی است»، باید گفت منظور از «بی‌خودی» بیهودگی نیست بلکه «از خود بی‌خود شدن» و «خود را فراموش کردن» است؛ همان عاملی که تجسم عشق واقعی در انسان است.

منظور از «بی‌راهی» هم، حالت سرگردانی و تحیر حاصل از عشق است که به عاشق دست می‌دهد و نتیجه خودفراموشی اوست. چون تمام نظر عاشق به معشوق و تمام افکارش به سوی اوست، دیگر خودی برایش نمی‌ماند. با توجه به جمله «پروانه، قوت از عشق آتش می‌خورد»، می‌توان دریافت که وجود عاشق تنها با وجود معشوق زنده و پابرجاست.

این عشق است که زندگی را سرشار از امید و بودن می‌کند؛ همچنان که در جای دیگری می‌گوید: «حیات از عشق می‌شناسد و مَمات از عشق».

این درس به زیبایی هر چه تمام‌تر، ذهن دانش‌آموزان را پذیرای عشق الهی می‌کند و به او می‌آموزد که عشق بالاترین حد محبت است و می‌تواند ذات انسان را متحول سازد و اینجاست که احساسی سرشار از آرامش را در او به ودیعه می‌گذارد. این عشق نردبان تقرب به خداوند بلندمرتبه است.



## درس هشتم: از پاریز تا پاریس

این درس فقط از نظر نمونه‌های فراوانی که در مورد موضوع دستوری «وابسته‌های وابسته» دارد، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد؛ وگرنه دبیران این رشته و دانش‌آموزان چندان رغبتی به تدریس آن نشان نمی‌دهند (با توجه به نظر سنجی انجام شده از برخی دانش‌آموزان و دبیران هم‌رشته)؛ چون اصلاً از نظر موضوع و محتوا، جذابیت ندارد.

متن این درس با جمله‌بندی‌های مبهم و توصیفات نه چندان دقیق، برای دانش‌آموزان گنگ و نامفهوم است.

با توجه به شعری که در این درس آمده، نویسنده در صدد برآمده است که به ناپایداری دنیا و تعلقات آن اشاره کند ولی نتوانسته به خوبی از عهده این امر مهم برآید. چون ابتدا شرحی از زندگی خود را بیان کرده، و سپس از موضوع اصلی فاصله گرفته و وارد توصیفات از سرزمین‌های دیگر شده است. بنابراین، متن درس در بیان محتوا انسجام و نظم خوبی ندارد. به نظر می‌رسد که این درس نکته آموزنده مفیدی برای فراگیرندگان ندارد و بهتر است جایگزینی برای آن در نظر گرفته شود.

## درس نهم: کویر

این درس با توصیفات زیبا و گیرای دکتر علی شریعتی به رشته تحریر درآمده است. نویسنده کویر و آسمانش را طوری به تصویر کشیده است که خواننده را ناخودآگاه به این طبیعت بکر و زیبا می‌برد؛ طوری که گویی او نیز تمام این زیبایی‌ها را نظاره می‌کند. او با بازی با واژگان، تمایز دیدگاه مردم روستایی با مردم شهرنشین را با زیبایی اعجاب‌آوری نشان می‌دهد.

## درس دهم: فصل شکوفایی

با توجه به این شعر می‌توان گفت که نگاه معنوی سلمان هراتی به موضوعاتی اجتماعی به اوج خود رسیده و او با توجه به این دیدگاه، شعرش را با امید به آینده‌ای روشن سروده است. او با باوری که به انقلاب دارد، آینده‌ای درخشان را نوید می‌دهد. اشعار زیر اثبات این مدعاست:

دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو

امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو  
دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ  
امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو  
او در این شعر، دوران انقلاب را دوران شکوفایی، رشد و زمان آگاهی می‌داند. در بیت آخر نیز از اشتیاق خود برای رسیدن به دریای خروشان انقلاب اسلامی سخن می‌گوید.

## درس یازدهم: آن شب عزیز

این درس محتوایی ساده دارد و متناسب با پایه دوازدهم نیست. از این رو، بهتر است در کتاب فارسی پایه دهم گنجانده شود و متنی با این گروه سنی در رابطه با خاطرات جنگ جایگزین آن گردد.

## درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش

در این داستان، سیاوش با عبور از آتش و سالم ماندن از آن بی‌گناهی‌اش را در جرمی که سودابه به او نسبت داده است، اثبات می‌کند. سرتاسر داستان نمایان‌گر پاکی و بی‌گناهی سیاوش و محبوبیتش نزد مردم است.

باید گفت داستان سیاوش با گذشته و زندگی امروز مردم پیوند خورده و این موضوع نشان‌دهنده اصالت این اسطوره و سابقه طولانی آن در زندگی مردمان این سرزمین است. شخصیت او به‌عنوان فردی که نماد پاکی و خیر مطلق است، در تاریخ و ادبیات فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد.

در این داستان، سیاوش نماد واقعی مظلومیت در بستر تاریخ و سودابه نماد نفس ناپاک اهریمنی است. تصویری که فردوسی از اندوه و حزن ناظران در دشت حین گذر سیاوش از آتش ارائه داده، این مدعا را به خوبی اثبات می‌کند و دلیل مقبولیت آن نزد مردم است.

## درس سیزدهم: خوان هشتم

این داستان، داستان مرگ یک پهلوان است؛ پهلوانی که نماد قهرمان ملی و اسوه شجاعت و میهن‌پرستی نزد ایرانیان است. داستان، حکایت از نابرداری و نامردمی دارد. نابرداری به نام شغاد که اسیر در بند خودخواهی است

نامردانه و با توسل به تزویر، کمر به قتل برادر می‌بندد و صفحه تاریک دشمنی و نامردی را به نام خود رقم می‌زند.

فضای داستانی این شعر در فرار از محیطی موهوم و سرد به فضایی معلوم، گرم و بسته است و با جزئیات بسیاری به تصویر کشیده شده است. او خود را به درون فضایی گرم و صمیمی می‌برد؛ گویی مرد نقال مراد است و دیگران، مریدانی که بر گرد او حلقه زده‌اند. پیغام آتشین او، از تأثیر سخن و سوز و گداز درونش حکایت دارد. شاعر با آوردن نام کسانی چون سهراب و سیاوش و تختی، اوج نامردی و مرز بین جوانمردی و ناجوانمردی را ترسیم کرده است.

فضاسازی بی‌نظیر بخش پایانی، یعنی مرگ قهرمان، بسیار تأثیرگذار است به ویژه توصیف فضای عمومی چاه و مرگ رخس در داستان رستم؛ به گونه‌ای که هم حس اعجاب‌انگیزی با خواننده برقرار کرده است.

در شاهنامه، لحظه پیش و پس از افتادن رستم به درون چاه بسیار دقیق توصیف شده اما لحظه مرگ رخس و رستم بسیار کوتاه بیان گردیده است.

## درس چهاردهم: سی مرغ و

### سیمرغ

قبل از هر چیز باید گفت ادبیات این درس عرفانی است نه داستانی و در آن پرندگان هر کدام نماد انسان‌هایی با شخصیت‌های متفاوت‌اند. «بلبل» نمونه مردم جمال‌پرست و عاشق‌پیشه است که تنها به گل فکر می‌کند و بس. «طاووس» چون از بهشت رانده شد، همواره آرزوی بازگشت به آنجا را در سر می‌پروراند.

این پرنده نماد انسان‌هایی است که سختی‌ها را تحمل می‌کنند تا به بهشت دست یابند. «باز» هم پرنده‌ای که روی دست پادشاهان جای دارد؛ پس عطار او را نمونه مردم درباری در نظر گرفته است که به علت نزدیکی به پادشاه همیشه به دیگران فخر می‌فروشد.

## درس پانزدهم: درس آزاد، ادبیات

### بومی ۲

که قبلاً در مورد آن توضیح داده شد.

## درس شانزدهم: کباب غاز

این درس که اثر محمدعلی جمالزاده است، به زبان عامیانه و محاوره به نگارش در آمده است. نوع بیان درس طنز است که چون با فرهنگ کنایات و اصطلاحات عامیانه تلفیق شده، زیبایی خاصی به خود گرفته است. توصیفات این درس به قدری زیبا و روشن و دقیق است که خواننده با خواندن آن‌ها، گویی در آن مهمانی شرکت دارد و با شخصیت مصطفی از قبل آشناست. برخی از کنایات برای دانش‌آموزان ملموس و شناخته شده‌اند؛ کنایاتی مانند سال آزرگار، صابون زدن به شکم، آسمان جل، دخلی نداشتن، خاک بر سر بودن، و از تک و تا افتادن.

البته نباید فراموش کرد که نویسنده برای افزایش قدرت طنز در توصیف‌ها، به ویژه ظاهر مصطفی، بیش از حد بزرگنمایی و اغراق کرده است.

تنها عیب مهم این داستان، طولانی بودن آن است و اگر اندکی خلاصه شود، تدریس آن با لذت بیشتری همراه خواهد بود. نباید فراموش کرد که نحوه تدریس دبیر و لحن خواندن او همراه با فضا سازی لفظی‌اش، زیبایی این درس را دو چندان می‌کند.

## درس هفدهم: خنده تو

در این درس، شاعر خنده را رمز عشق، شادمانی، زندگی، سدی نیرومند در برابر مشکلات و شمشیری تیز در رویارویی با دشمنان می‌داند. به اعتقاد او، خنده از هر چیزی که ارزش مادی و دنیوی دارد، برتر است. در واقع، او خنده را عصاره واقعی زندگی دانسته است. در این شعر، شاعر اساس سروده خود را «خنده» قرار داده است و آن را تعبیر همه آرزوهای خویش می‌داند. با توجه به این دیدگاه شعری، می‌توان این شعر را یکی از دروس آموزنده و معنادار کتاب دانست.

## درس هجدهم: عشق جاودانی

در این درس، شاعر همه چیزهای زیبا را در وجود معشوق می‌بیند؛ گویی معشوق، سرچشمه همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست. او اعتقاد دارد که عشق پاک آدمی، هیچ‌گاه کهنه و افسرده نمی‌شود بلکه گذر زمان به آن رنگ و بویی تازه می‌بخشد؛ عشقی که گذر هر لحظه‌اش، اشتیاق او را صد چندان می‌سازد. او می‌گوید عشق همواره در دل و ذهن جاودانه است؛ هیچ لحظه‌ای از آن کهنه و قدیمی نمی‌شود و گذر عمر، هرگز ظاهر معشوق را پرموده و پیر نشان نمی‌دهد. همچنین می‌گوید که چیزی برای نوشتن

برایم باقی نمانده است و من هر توصیف زیبایی را که بتوان برای معشوق متصور شد، بیان کرده‌ام.

شاعر در این شعر با لطافتی شاعرانه، عشق واقعی را می‌ستاید و آن را جاودانه و فراموش نشدنی می‌داند؛ عشقی که به ظاهر انسان بی‌توجه است و ریشه در قلب و احساس او دارد. پس بسیار باارزش و مقدس است. این شعر از اشعار تأمل‌انگیز و زیبای کتاب به حساب می‌آید.

## نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث بالا می‌توان نتیجه گرفت که کتاب درسی، مهم‌ترین رسانه آموزشی برای تبادل اطلاعات و انتقال علم است. بر این اساس، باید از نظر کیفیت و سطح محتوا به گونه‌ای باشد که در یادگیری آن هیچ ابهامی وجود نداشته باشد.

با توجه به این نکته مهم، ضرورت دارد که مسئولان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، با ظرافت و دقت نظر خاصی به تدوین و نگارش آن اقدام کنند. کتاب فارسی پایه دوازدهم اگرچه نونگارشت و جدیدالتألیف است، اشکالاتی محتوایی در آن به چشم می‌خورد که باید اصلاح شوند.

اگر از هر استان، کمیته‌ای متشکل از دبیران مجرب و مسلط به رشته ادبیات فارسی با برنامه‌ریزی دقیق و تأملی موشکافانه به نقد آن اقدام کنند، با جمع‌بندی نظرات آنان اشکالات کتاب به‌طور کامل رفع خواهد شد. دانش‌آموزان این پایه، شرکت‌کنندگان آینده کنکور سراسری هستند؛ پس به آموزش آنان باید به‌طور پایه‌ای و اساسی توجه کرد و محتوایی بی‌عیب و عاری از اشکال تحویل آن‌ها داد.

## منابع

۱. حضوری، علی. (۱۳۸۴). سیاوشان. چاپ دوم. تهران: نشر چشمه.
۲. داد، سیما (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ دوم. تهران: انتشارات مروارید
۳. دیهیم، علی. (۱۳۸۶). یادنامه پروین اعتصامی، مقاله‌ها و خطبه‌ها. تهران: انتشارات اقبال.
۴. سلازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۹۷). فارسی ۳، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۵. شایخ، فریدون. (۱۳۷۵). فرایند برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: انتشارات مدرسه.
۶. یارمحمدیان، محمد. (۱۳۸۶). اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران: نشر یادواره کتاب.
۷. میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت. (۱۳۸۵). واژه‌نامه هنر شاعری. چاپ سوم. تهران: انتشارات کتاب مهناز.

